

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال هفدهم، شماره شصت و پنجم، بهار ۱۴۰۴، ص ۱۶۳-۱۴۶

یک دادگاه داستانی و یک کلاس درس (پژوهشی در باب قابلیت آموزش تفکر فلسفی به کودکان در حکایت بازجست کار دمنه)

عاطفه یوسفی^۱

 10.71630/parsadab.2025.1209554

چکیده

در راستای اجرای برنامه فلسفه برای کودکان که چندسالی است وارد نظام آموزشی ما شده، محتوای آموزشی مناسبی ضرورت دارد تا ضمن جذابیت برای کودکان، مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعه نیز باشد. از طرف دیگر، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های متون کلاسیک فارسی، کاربرد آن‌ها را در دیگر حوزه‌ها، به‌ویژه مطالعات میان‌رشته‌ای، امکان‌پذیر می‌سازد. فلسفه برای کودکان، فرصت پژوهشی جدیدی است که می‌توان ادبیات کلاسیک فارسی را از منظر دیگری نگریست و قابلیت‌های آن را بدین منظور سنجید. در مقاله حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، حکایت «بازجست کار دمنه» از کتاب کلیله و دمنه، براساس معیارهای داستانی فبک، در سطوح ادبی، روان‌شناختی و فلسفی، تحلیل و بررسی شده است. براساس یافته‌های پژوهش، این حکایت با برخورداری از مقبولیت ادبی، مقبولیت روان‌شناختی و مقبولیت فلسفی، فرصت‌های کندوکاو و پرسشگری و نیز نمونه‌های عالی گفت‌وگوی استدلالی، دارای ظرفیت‌های بسیاری، برای آموزش تفکر فلسفی به کودکان است. با بازنویسی این حکایت به زبانی ساده و قابل درک برای کودکان و نیز حذف پند و اندرزها که کندوکاوپذیری داستان را کاهش می‌دهد، می‌توان به محتوای آموزشی مناسبی برای کاربرد در کلاس‌های آموزش تفکر فلسفی دست یافت.

کلیدواژه‌ها: فلسفه برای کودکان (فبک)، تفکر فلسفی، ادبیات کلاسیک فارسی، کلیله و دمنه.

Atf.yousefi@gmail.com

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱

۱. مقدمه

سال‌هاست که متون ادبی ما در کلاس‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تدریس می‌شود و علاقه‌مندان به این رشته، متون ادبی را می‌خوانند، اما جز عدۀ کمی از دانشجویان، دیگران فقط به شناخت مسائل زبانی و ادبی بسنده می‌کنند. جای گرایش‌های جدید و مطالعات بینارشته‌ای هنوز هم در این رشته خالی است. فلسفه برای کودکان، فرصت ویژه‌ای است که می‌توان ادبیات کلاسیک را از منظری دیگر نگریست و قابلیت‌هایش را سنجید. مهم‌تر آنکه با بازنویسی و به‌روزرسانی آثار ادبی، می‌توان کودکان و نوجوانان را با این میراث ارزشمند میهنی آشنا کرد.

بیش از نیم قرن از طراحی برنامه فلسفه برای کودکان (فبک)، توسط متیو لیمن، استاد فلسفه دانشگاه کلمبیا، می‌گذرد. این برنامه که با هدف پرورش کودکانی آگاه و برخوردار از ذهنی نقاد و استدلال‌گر پایه‌ریزی شد، امروزه در کشورهای بسیاری گسترش یافته است. با توجه به اینکه این برنامه به نظام آموزش و پرورش ما نیز ورود یافته، اجرای آن مستلزم در دست داشتن منابع و کتاب‌های داستانی مناسبی است که ضمن برخورداری از ویژگی‌های داستانی فبک، با زبان و فرهنگ ما نیز متناسب و سازگار باشند. علاوه بر این، ساختار داستانی که در بیشتر آثار ادبی وجود دارد، سبب می‌شود گفت‌وگوها و رخدادها، برخلاف بعضی از داستان‌های تألیفی، قابل باور و غیرساختگی باشند (ر.ک: فیشر، ۱۳۸۸: ۹۸)؛ بنابراین کودکان بهتر می‌توانند با این داستان‌ها ارتباط گیرند و فرصتی برای تعمق و اندیشه‌ورزی بیابند.

داستان‌های قابل استفاده در کلاس‌های آموزش فلسفه، باید مطابق با اصول و دارای ویژگی‌هایی باشند.^۱ در یک طبقه‌بندی کلی، این داستان‌ها باید از مقبولیت ادبی، مقبولیت فلسفی و مقبولیت روان‌شناختی برخوردار باشند (همان‌جا). یک داستان خوب برای کلاس‌های فبک، پیش از هر چیز باید یک داستان کودک خوب باشد. قابلیت سکوی پرش بودن به سمت احساسات و تجربیات روزانه کودک (اسپیلتر و شارپ، ۱۳۹۶: ۱۸۷) چالش‌برانگیزی، کندوکاو‌پذیری، برخورداری از الگوی گفت‌وگوی استدلالی و پایان‌بندی مناسب، ویژگی‌های دیگری است که لازمه یک داستان فلسفی است. تمامی این موارد، باید به‌جا و با ظرافت هرچه تمام‌تر در متن گنجانده شود تا برای کودکان مصنوعی و غیرقابل

پذیرش نباشد و موجب از دست رفتن جذابیت‌های داستان نشود (برای آگاهی بیشتر از اصول و معیارهای داستانی فبک، ر.ک: شارپ، ۱۳۸۷: ۶۲-۶۷؛ همو، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۵؛ لیمن، ۱۳۸۳: ۸-۱۲؛ همو، ۱۳۸۹: ۱۰؛ ساتکلیف، ۱۳۸۷: ۶۹-۷۹).

چنان‌که می‌دانیم کلیله و دمنه از جمله آثار تعلیمی ادبیات فارسی است که ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، با بیانی تمثیلی و در قالب حکایات گوناگون، در آن روایت شده است. داستان «بازجست کار دمنه» در بابی به همین نام (باب الفحص عن امر دمنه) در کتاب کلیله و دمنه نقل شده است. مضمون حکایت مورد نظر، به مکافات عمل و نتیجه تصمیمات اشاره دارد و موضوعاتی مانند قضاوت نادرست و زود هنگام، دوستی، دشمنی، دورویی، دروغ‌گویی و لزوم داشتن تفکر انتقادی در آن قابل بررسی است. داستان‌های زیادی با این موضوع و مضمون در کلیله و دمنه وجود دارد؛ این موضوع در بعضی از داستان‌ها به صورت محوری و در بعضی به طور فرعی مطرح شده است. حکایات دیگری که دارای الگوی نسبتاً مشابه و پایان‌بندی یکسانی است، عبارت‌اند از: طیب حاذق و مدعی جاهل، دو شریک یکی زرنگ و دیگری ساده لوح، پادشاه و فنزه، تیرانداز و ماده شیر، و مردی که جفتی طوطی خرید و آزاد کرد. از میان این حکایات، «بازجست کار دمنه» به دلیل برخورداری از عناصر داستانی و گفت‌وگوهای استدلالی، دارای جذابیت بیشتر و ظرفیت بالاتری برای استفاده در کلاس‌های آموزش تفکر فلسفی است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در باب خوانش ادبیات کلاسیک فارسی براساس ویژگی‌ها و چارچوب داستانی فبک، پژوهش‌هایی بدین شرح انجام گرفته است:

فرزانفر و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به نام «در جست‌وجوی استقلال انتخاب متن‌های ادبی مناسب برای برنامه فلسفه برای کودکان» با بررسی آثار کهن فارسی، به انتخاب متن‌هایی مطابق با اهداف برنامه فبک، همت گمارده‌اند. در چندین پایان‌نامه، نگارندگان به بررسی حکایات دفتر اول مثنوی معنوی (ر.ک: فتحی، ۱۳۹۲)، دفتر دوم (ر.ک: فهری، ۱۳۹۲) و دفتر سوم (ر.ک: لطفی، ۱۳۹۲)، بر مبنای چارچوب‌های داستان‌های فلسفی کودکان پرداخته و قابلیت‌های فلسفی این سه دفتر را ارزیابی کرده‌اند. همچنین کتابی با نام *زنگ فلسفه* به قلم

مرادی و پروین (۱۳۹۲) انتشار یافته که مجموعه‌ای از داستان‌های کهن ادبیات فارسی، به‌همراه طرح بحث‌هایی برای آموزش فلسفه به کودکان است.

در حوزه استفاده و کاربرد داستان‌های کلیله و دمنه با هدف آموزش تفکر فلسفی نیز می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد:

در مقاله «فلسفه برای کودکان (p4c) مضامین فلسفی در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی» (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱)، نویسندگان با هدف سنجش مضامین فلسفی در داستان‌های متون کهن، به سه داستان از کلیله و دمنه اشاره کرده‌اند. در مقاله «خوانش فلسفی متون داستانی کلاسیک فارسی متناسب با اهداف برنامه فلسفه برای کودکان» (مجیدحبیبی عراقی و همکاران، ۱۳۹۲)، نویسندگان به‌صورت موضوعی و آماری، به تحلیل چهار اثر کلاسیک فارسی، از جمله کلیله و دمنه پرداخته‌اند و این متون را دارای قابلیت‌های آموزشی ارزیابی کرده‌اند. مقاله دیگری به نام «بازخوانی بابی از کلیله و دمنه، تحلیل باب شیر و شغال براساس مبانی داستانی فلسفه برای کودکان» (یوسفی و ناجی، ۱۴۰۱) به بررسی معیارهای داستانی فبک، در باب شیر و شغال کلیله و دمنه پرداخته و قابلیت‌های ادبی و فلسفی این داستان را بیان شده است. همچنین در مقاله «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تفکر فلسفی در باب شیر و گاو از کلیله و دمنه» (ناشودی و همکاران، ۱۴۰۳)، نویسندگان مؤلفه‌های تفکر فلسفی همچون تصمیم‌گیری، حل مسئله، قیاس، استدلال و موارد دیگر را در باب شیر و گاو تحلیل کرده و این حکایت را دارای ظرفیت‌های لازم برای آموزش تفکر فلسفی به کودکان دانسته‌اند.

۲-۱. روش پژوهش

در پژوهش پیش رو، باب «بازجست کار دمنه» از کتاب کلیله و دمنه، مطابق با معیارها و ضوابط داستان‌های فلسفی کودک، تحلیل و بررسی شده است. بدین منظور با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، مؤلفه‌هایی که پژوهشگران برنامه فبک، برای داستان‌های فلسفی بر شمرده‌اند، همچون مقبولیت ادبی، مقبولیت روان‌شناختی، مقبولیت فلسفی، کندوکاو‌پذیری و گفت‌وگوی استدلالی، استخراج شده و در ادامه، این موارد با در نظر گرفتن روحیات و ذهنیات کودکان شش تا دوازده سال، در حکایت نام‌برده، بررسی شده است.

۲. خلاصه «بازجست کار دمنه»

شیر که سلطان جنگل است، پس از کشتن گاو، از تعجیل در کشتن او و اعتماد به حرف دمنه، پشیمان می‌شود و حسرت‌زده و نادم می‌ماند. یک شب که کلپه و دمنه در حال صحبت درباره سخن‌چینی دمنه و مرگ گاو بودند، پلنگ که تا دیروقت در خدمت شیر بوده، هنگام بازگشت به خانه صحبت‌های آن‌ها را می‌شنود و از خیانت دمنه آگاه می‌شود. پلنگ این موضوع را با مادر شیر در میان می‌گذارد و از او پیمان می‌گیرد که این راز را فاش نکند. مادر شیر به پسرش می‌گوید که در کشتن گاو اشتباه کرده است و نباید به حرف دمنه اعتماد می‌کرده، زیرا دمنه سخن‌چینی خائن است. شیر از مادر می‌خواهد اگر چیزی می‌داند بگوید، اما مادر که به پلنگ قول داده است، چیزی نمی‌گوید و در ضمن گفت‌وگویی فقط از شیر می‌خواهد که بیشتر تحقیق کند تا از حقیقت امر آگاه شود. روز بعد، شیر دمنه را فرامی‌خواند و مادر شیر به دمنه می‌گوید که شیر از خیانت تو آگاه شده و شایسته نیست که تو را بیشتر از این زنده گذارد. دمنه که او ضاع را آشفته می‌بیند، سخنانی می‌گوید تا اعتماد شیر را به خود جلب کند و دروغ‌گویی‌اش را انکار می‌کند. مادر شیر که می‌بیند سخنان گرم دمنه دارد روی شیر اثر می‌گذارد، با خشم مجلس را ترک می‌کند. شیر دستور می‌دهد که دمنه را زندانی کنند. روزی کلپه به دیدن دوستش می‌رود و می‌گوید تو را از این کار برحذر داشته بودم، اما تو نصیحت مرا گوش نکردی و این عاقبت کسی است که فتنه انگیزد و سبب ریختن خون بی‌گناهی شود. دمنه حرف‌های کلپه را تأیید می‌کند. در این میان حیوان دیگری که همراه دمنه زندانی بوده حرف‌های آن‌ها را می‌شنود. کلپه غمگین بازمی‌گردد و همان شب می‌میرد. روز دیگر مادر شیر، از شیر می‌خواهد که خیانت دمنه را آشکار کند و او را به سزای کارش برساند. شیر قاضیان را فرامی‌خواند و دادگاهی تشکیل می‌دهد. در دادگاه یکی از حیوانات، دمنه را مقصر می‌داند، اما دمنه به زیبایی در ردّ اتهامش استدلال می‌کند و قاضی به نتیجه‌ای نمی‌رسد و او را به زندان بازمی‌گردانند. یکی از دوستان دمنه به نام روزبه، خبر مرگ کلپه را به دمنه می‌دهد. دمنه بسیار ناراحت می‌شود و از روزبه می‌خواهد که جای کلپه را برایش پر کند و ملازم شیر باشد و او را از اخبار آگاه کند. روزبه نیز تا روز مرگ دمنه همین کار را می‌کند. دوباره دادگاهی تشکیل می‌شود و قاضی از دمنه می‌خواهد که اعتراف کند. دمنه باز

هم انکار می‌کند. در این هنگام مادر شیر که می‌بیند دمنه با سخنانش قصد فریب شیر را دارد، از پلنگ می‌خواهد تا آنچه را شنیده است برای شیر بازگو کند. پلنگ در جمع حیوانات سخنان کليلة و دمنه را بازگو می‌کند. آن حیوان دیگر که با دمنه زندانی بود هم شنیده‌هایش را بیان می‌کند. با شهادت این دو، گناه دمنه بر همه آشکار می‌شود و شیر دستور می‌دهد تا او را ببندند و به او آب و غذا ندهند تا از گرسنگی و تشنگی بمیرد (منشی، ۱۳۸۶: ۱۲۶-۱۵۶).

۳. بررسی داستان از منظر معیارهای فیک

این حکایت از داستان‌های الحاقی کليلة و دمنه است که در اصل هندی آن وجود ندارد و معلوم نیست در ترجمه پهلوی به کتاب افزوده شده است یا در ترجمه عربی (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: زرین کوب، ۱۳۵۵: ۴۱۷). با اینکه این داستان به ظاهر مستقل است و در بابتی به همین نام آمده، ادامه باب شیر و گاو است؛ دمنه که در داستان شیر و گاو شخصیت اصلی است و با حسادت و سخن‌چینی باعث کشته شدن گاو به دست شیر می‌شود، در این باب نتیجه دروغ‌گویی و خیانتش را می‌بیند و به سزای عملش می‌رسد.

۳-۱. مقبولیت ادبی

به‌طور کلی، مقبولیت ادبی در داستان‌های فلسفی، به تناسب زبان و رخدادها، با توانایی و روحیات کودک و نیز استفاده بجا از عناصر داستانی اشاره دارد که دربردارنده مواردی همچون پی‌رنگ قوی، وجود روابط علی و معلولی در رخدادهای داستان، شخصیت‌پردازی، گره‌گشایی و گره‌افکنی، گفت‌وگو و... است. مهم است که این موارد به‌خوبی در بطن داستان وارد شده باشد و حالتی مصنوعی نداشته باشد تا برای مخاطب، قابل درک و ملموس باشد. (فیشر، ۱۳۸۸: ۹۸).

از آنجاکه کليلة و دمنه از متون درجه یک ادبیات فارسی به شمار می‌رود، کاملاً از غنای ادبی برخوردار است، اما زبان فخیم و سبک فنی این اثر، خوانش و درک حکایات را برای مخاطب کودک، دشوار و گاهی ناممکن می‌سازد؛ بنابراین نیازمند بازنویسی به زبانی ساده و مطابق با سطح خواننداری کودکان و نوجوانان است.

۳-۱-۱. پیرنگ و روایت داستانی

چنان‌که اشاره شد، این داستان ادامه داستان شیر و گاو است؛ با وجود این، تمام حوادثی که رخ می‌دهد، مبتنی بر روابط منطقی است و داستان از تسلسل روایی برخوردار است. این موارد سبب رشد علت و معلولیابی در کودکان می‌شود و همچنین تمرکز آن‌ها را بر موضوع و حوادث ممکن می‌سازد. بیشتر شخصیت‌ها همان‌هایی‌اند که در داستان «شیر و گاو» بودند و در همان‌جا از طریق گفت‌وگو و یا به شکل توصیفی به مخاطب معرفی شده‌اند.

۳-۱-۲. کنش و برانگیختگی هیجانی

«انگیزه به‌تنهایی برای ما کافی نیست. نمی‌توانیم چنین بپنداریم که کودکان هنگام ورود به کلاس، توانایی تفکر فلسفی دارند. لازم است کودکان بیاموزند چطور در فرایندی فکری، پیش روند. یکی از روش‌های مؤثری که به آن‌ها در فراگیری این دانش عملی کمک می‌رساند، درگیر کردن آن‌ها، از لحاظ احساسی و عقلانی، با زندگی شخصیت‌های داستانی‌ای است که روند پژوهشگری و پرس‌وجو را به‌خوبی نمایش می‌دهند» (Splitter & Sharp, 1995: 99). برای دستیابی بدین منظور، داستان‌های مورد استفاده باید هیجان‌انگیز و دارای روایتی جذاب باشند تا کودکان کاملاً با داستان و شخصیت‌ها ارتباط برقرار کنند.

در کل حکایت «بازجست کار دمنه»، به حالات روحی و احساسات درونی شخصیت‌ها اشاره شده است؛ برای مثال پشیمانی شیر از کشتن گاو و دلتنگی‌اش به‌خوبی توصیف شده است: «چون شیر از کار گاو پرداخت، از تعجیلی که دران کرده بود بسی پشیمانی خورد و سرانگشت ندامت خایید» (منشی، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۲۸) و در ادامه شیر به یاد خوبی‌ها و خدمت‌ها و سابقه نیک گاو می‌افتد و دلتنگی و ناراحتی‌اش شدت می‌یابد (همان‌جا). ناراحتی و اندوه فراوان دمنه از مرگ دوستش کلیله نیز به‌زیبایی شرح داده شده است که چقدر از این حادثه متأسف و رنجور شد و مغموم و حیران «از کوره آتش دل آهی برآورد و از فواره دیده آب بر رخسار براند» (همان: ۱۴۸).

میزان کنش در داستان، بسیار زیاد و نقش راوی کم‌رنگ است؛ خط روایی از طریق گفت‌وگوها و کنش و واکنش شخصیت‌ها در موقعیت‌های گوناگون شکل می‌گیرد. شخصیت‌پردازی بسیار خوب از طریق گفت‌وگو، توصیف و شرح هیجانات و احساسات

درونی شخصیت‌ها، علاوه بر اینکه امکان هم‌ذات‌پنداری را به کودکان می‌دهد، باعث می‌شود داستان شکلی کاملاً نمایشی داشته باشد و کودکان بتوانند آن را به اجرا درآورند (ر.ک: کم، ۱۳۸۹: ۳۵). شایان ذکر است که وجود این موارد، باعث بالا بودن میزان تخیل می‌شود و درنهایت به پرورش تفکر خلاق در کودکان می‌انجامد، زیرا «تفکر خلاق وابسته به میزان به‌کارگیری قوه تخیل است» (فیشر، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

۳-۱-۳. شخصیت‌پردازی

در داستان‌های فلسفی، شخصیت‌پردازی باید به گونه‌ای باشد که کودکان بتوانند درباره منطقی و قابل درک بودن احساسات و رفتار شخصیت‌های داستانی، بحث و گفت‌وگو کنند (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: شارپ، ۱۳۸۷: ۶۲-۶۷). در این حکایت، شخصیت‌پردازی بیشتر در خلال گفت‌وگوی شخصیت‌ها و به صورت کاملاً روشن و بی‌ابهام صورت می‌گیرد. در جایی، شخصیت کلیله از زبان دمنه چنین توصیف می‌شود: دوستی دلسوز و برادری ناصح که در رخدادهای روزگار نزد او می‌رفتم و در امور مهم پشت و پناهم بود، دلش محل اسرار دوستان و معدن راز برادران بود که روزگار بر آن واقف نمی‌شد و آسمان به هیچ روی از آن اطلاع نمی‌یافت (منشی، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

علاوه بر شخصیت‌های اصلی، چند شخصیت دیگر نیز وارد داستان می‌شوند. یکی از شخصیت‌های جدیدی که نقشی کلیدی و بسیار آموزنده دارد، مادر شیر است که از طریق اندرزهایی که به شیر می‌دهد و سخنانی که بر زبان می‌آورد، می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی و طرز فکر او پی برد. در ادامه، وقتی که پلنگ آنچه را شنیده است با مادر شیر در میان می‌گذارد و از او می‌خواهد که این راز را برای کسی بازگو نکند، مادر شیر در نهایت امانت‌داری عمل می‌کند و در برابر خواهش شیر مبنی بر بازگو کردن سخنان پلنگ، پاسخ می‌دهد: «بعضی از نزدیکان تو در کتمان آن مرا و صایت کرده است. و عیب فاش گردانیدن اسرار و تأکید علما در تجنب از آن مقرر است» (همان: ۱۳۰) و در ادامه به بیان ادله می‌پردازد و می‌گوید: برملا ساختن اسرار دیگران دو عیب آشکار دارد: اول دشمنی کسی که به من اعتماد کرده است و دوم بدگمان شدن دیگران نسبت به من، تا دیگر کسی با من سخن نگوید و من را محرم راز نداند (ر.ک: همان: ۱۳۱). در جایی دیگر، مادر شیر ضمن گفت‌وگویی با

پادشاه (پسرش)، به مفهوم مصلحت اجتماعی و لزوم مجازات افراد خیانتکار اشاره می‌کند و به شیر می‌گوید: گفتار عالمان در برتری بخشش و زیبایی احسان، معروف است اما در خطاهایی که اثر آن در فساد همگان و ضررش در جهان فراگیر نباشد. سپس به زیبایی استدلال می‌کند: «چه هرکجا مضرت شامل دیده شد و وصمت آن ذات پادشاه را بیالود و موجب دلیری دیگر مفسدان گشت و حجت متعدیان بدان قوت گرفت و هریک در بدکرداری و ناهمواری آن را دستور معتمد و نمودار معتبر ساختند، عفو و اغماض و تجاوز و اغضا را مجال نماند و تدارک آن واجب، بل که فریضه گردد» (همان: ۱۳۱).

سخنانی که مادر شیر در موقعیت‌های گوناگون داستان بیان می‌کند، بسیار تأمل‌برانگیز است و جای بحث و گفت‌وگو دارد. مادر شیر الگوی کامل فردی دارای ذهن باز و انتقادی است که از اضطراب هیجانی پرهیز کرده و می‌کوشد با کنشگری و کنجکاوی، مسائل مبهم را حل کند. «چنین شخصیتی قادر است در موقعیت‌های پیش‌بینی‌نشده و نامعلوم، اقدام کرده و همراه با آزادی عمل، ابهام را برطرف سازد» (اسمیت، ۱۳۸۲: ۹۸).

۳-۲. مقبولیت روان‌شناختی

موضوع داستان، مکافات عمل است؛ موضوعی که برای کودکان کاملاً ملموس و قابل درک است. مکافات عمل در داستان با بیان سرانجام تلخ دمنه شرح داده می‌شود. دمنه در جایی به این نکته اشاره می‌کند و به‌صراحت می‌گوید: «می‌دانم که تخم این بلا من کاشته‌ام و هرکه چیزی کاشت هرآینه بدرد؛ اگرچه در ندامت افتد و بداند که زهرگیا کاشته است. و امروز وقت است که ثمرت کردار و ریع گفتار خویش بردارم» (منشی، ۱۳۸۶: ۱۴۳). موضوع، حوادث و سیر داستان همگی به‌شکلی است که برای کودکان قابل درک و متناسب با روحیات آن‌هاست.

۳-۳. مقبولیت فلسفی

برنامه فلسفه برای کودکان، دربرگیرنده انواع تفکر انتقادی، خلاق، جمعی و مراقبتی است و آن را با وسعت و عمق بیشتری از برنامه‌های درسی معمولی دنبال می‌کند. «در برنامه فبک این نیاز به رسمیت شناخته می‌شود که کودکان باید به‌گونه‌ای واقعی با موضوعاتی سروکار

داشته باشند که آن‌ها را مسئله‌برانگیز و مبهم می‌پندارند» (لیپمن و ناجی، ۱۳۸۸: ۱۵۷). اگر هدف ما این باشد که بخواهیم کودکان را به اندیشیدن و خواندن انتقادی دعوت کنیم، پس لازم است که الگوهای خواندن انتقادی را به آن‌ها یاد دهیم و آن‌ها را با نوشته‌هایی آشنا کنیم که خواندن آن به مهارت‌های سطح بالاتر و ارزیابی بی‌شتری نیاز داشته باشد (ر.ک: فیشر، ۱۳۸۸: ۸۳).

در داستان مورد بررسی ما، علاوه بر موضوع اصلی، چندین بار به لزوم تفکر و تأمل، تأکید شده است که منجر به پرورش تفکر انتقادی در کودکان می‌شود؛ برای مثال، دمنه در جایی می‌گوید: «هیچ چیز در کشف شبهت و افزودن در نور بصیرت چون مجاهدت و تثبیت نیست» (منشی، ۱۳۸۶: ۱۳۴) و شیر که هنوز گناه دمنه برایش آشکار نشده است، بر لزوم داشتن برهان و دلایل کافی و موثق، برای مجازات او تأکید می‌کند و بیان می‌دارد: او را باید به دست قاضیان سپرد تا درباره کارش تحقیق و پرس‌وجو کنند، زیرا «در احکام سیاست و شرایط انصاف و معدلت، بی‌ایضاح بینت و الزام حجت جایز نیست عزیمت را در اقامت حدود به امضا رسانیدن» (همان‌جا) و ادامه می‌دهد: نمی‌خواهم در کار او شتابزده عمل کنم، زیرا در آن صورت گویی برای سود و منفعت دیگران، زیان خودم را طلب کرده‌ام؛ و تا هنگامی که تحقیقات (درباره دمنه) به سرانجام نرسد، اجازه کشتن او را نمی‌دهم، چراکه پیروی از نفس و اطاعت از هوا و هوس، اندیشه راستین و تدبیر درست را می‌پوشاند. و اگر به گمان خیانت، اهل هنر را نابود کنم، خشمم تسکین می‌یابد، اما زیانش به من بازمی‌گردد (ر.ک: همان: ۱۴۱). دمنه نیز در دادگاه به ضرورت در دست داشتن ادله محکم، اشاره می‌کند و می‌گوید: «قاضی را به گمان خود و ظنون حاضران بی‌حجت ظاهر و دلیل روشن، حکم نشاید کرد» (همان: ۱۵۱).

با توجه به اینکه «تعهد به منطق انتقادی در یک موضوع به آن معنا نیست که کودک مجبور است دلایل قطعی برای باور به یک مسئله داشته باشد بلکه به این معناست که هر موضعی را که اتخاذ می‌کند به لحاظ منطقی قابل دفاع باشد» (وینچ، ۱۳۸۶: ۲۳۱-۲۳۲)، رفتار مادر شیر نمونه بسیار خوبی برای آموزش منطق انتقادی است. مادر شیر همواره در پی استدلال صحیح و توجیه منطقی تصمیم‌گیری‌هاست؛ برای مثال، هنگامی که دلنگی شیر را

پس از کشتن شنبزه می‌بیند، بی‌فکری و زودباوری او را مذمت می‌کند و می‌گوید: «و اگر در آنچه به ملک رسانیدند تفکری رفتی و بر خشم و نفس مالک و قادر توانستی بود و آن را بر رای و عقل خویش باز انداختی، حقیقت حال شناخته گشتی» (منشی، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

۳-۳-۱. الگوی گفت‌وگو (استدلالی)

در این حکایت، گفت‌وگو بسیار پررنگ است، به‌طوری‌که اثری از راوی دیده نمی‌شود و مخاطب درگیر متن و شخصیت‌ها می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، شخصیت‌پردازی کاملاً از طریق گفت‌وگو صورت گرفته است. در خلال گفت‌وگوی میان شخصیت‌ها، طرز فکر و انگیزه‌های درونی آن‌ها به‌طور روشنی نمایان است و کودکان این امکان را به دست می‌آورند که با آن‌ها هم‌ذات‌پنداری کنند و درباره احساسات و منطقی بودن رفتارها و تفکر آن‌ها بیندیشند و در این باره باهم گفت‌وگو کنند (شارپ، ۱۳۸۳: ۱۵).

نمونه‌های عالی گفت‌وگوی استدلالی در داستان بسیار به چشم می‌خورد؛ برای مثال، گفت‌وگوهایی که میان مادر شیر و پسرش برقرار می‌شود. در این گفت‌وگوها مسائل اخلاقی بسیاری طرح و از زوایای مختلف بررسی می‌شود و به‌علت اینکه تمام استدلال‌ها در خلال گفت‌وگو و در مسیر پیشبرد داستان مطرح می‌شوند، علاوه بر اینکه برای کودکان آموزنده‌اند، اصلاً صورت آموزشی صرف و تصنعی ندارند. در خلال این گفت‌وگوها شاهد سؤال و جواب، توضیح و تفسیر و تحلیل هستیم که همگی از مؤلفه‌های تفکر انتقادی‌اند و باعث رشد این نوع تفکر در کودکان می‌شوند (برای آگاهی بیشتر ر.ک: پل و الدر، ۱۳۹۹: ۱۱۷-۱۳۱؛ نیز امیدینیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۳).

یکی دیگر از نمونه‌های زیبای گفت‌وگوی استدلالی، گفت‌وگویی است که میان یکی از حیوانات حاضر در دادگاه و دمنه درمی‌گیرد که الگوی بسیار خوبی برای چگونه استدلال کردن و تفاوت استدلال صحیح و غلط است. در خلال این گفت‌وگو، کودکان به‌خوبی درک می‌کنند که منطق انتقادی، یک توانایی است که نه تنها به توانایی فرد در شکل‌دهی و انتقاد از استدلال‌ها بستگی دارد، بلکه به توانایی در تسلط بر چارچوب‌ها و احتمالات کلامی که بحث و گفت‌وگو در قلب آن‌ها انجام می‌شود وابسته است. بخش دیگری از این توانایی شامل وجود قدرت ساختار شکنی و انتقاد از استدلال‌هایی است که به فرد عرضه می‌شود. (ر.ک:

وینچ، ۱۳۸۶: ۹۷). جایی که یکی از حیوانات، دلیل اثبات گناهکار بودن دمنه را زشتی ظاهرش بیان می‌کند: «یکی از حاضران گفت: سزاوارتر کسی که چگونگی مکر او از عوام نباید پرسید و خبث ضمیر او بر خواص مشتبّه نگردد این بدبخت است که علامات کزی سیرت در زشتی صورت او دیده می‌شود» (منشی، ۱۳۸۶: ۱۴۷). قاضی می‌پرسد آن نشانه‌ها چیست؟ باید بیان شود، زیرا ممکن است هرکسی آن را نداند؛ حیوان ادامه می‌دهد: «علما گویند که هر گشاده‌برو، که چشم راست او از چپ خردتر باشد، با اختلاج دائم و بینی او به جانب راست میل دارد و در هر منبتی از اندام او سه موی روید و نظر او همیشه سوی زمین افتد، ذات ناپاک او مجمع فساد و مکر و منبع فجور و غدر باشد. و این علامات در وی موجود است» (همان: ۱۴۷). در پاسخ به این اتهامات، دمنه به‌زیبایی استدلال می‌کند، به‌طوری‌که همه حیوانات و حتی قاضی مجاب می‌شوند و حرف دمنه را می‌پذیرند: «دمنه گفت: در احکام خلاق گمان میل و مدهانت توان داشت و حکم ایزدی عین صواب است و دران سهو و زلت و خطا و غفلت صورت نبندد. و اگر این علامات که یاد کردی، معین عدل و دلیل صدق می‌تواند بود و بدان حق را از باطل جدا می‌توان کرد، پس جهانیان در همه معانی از حجت فارغ آمدند و بیش هیچ‌کس را نه بر نیکوکاری محمّدت واجب آید و نه بر بدکرداری عقوبت لازم. زیرا که هیچ مخلوق این معانی را از خود دفع نتواند کرد. پس بدین حکم جزای اهل خیر و پاداش اهل شر محو گشت و اگر من این کار که می‌گویند بکرده‌ام، نعوذبالله، این علامات مرا برین داشته باشد و چون دفع آن در امکان نیاید نشاید که به عقوبت آن مأخوذ گردم که آن‌ها با من برابر آفریده شده‌اند. و چون از آن احتراز نتوان کرد حکم بدان چگونه واقع گردد؟ و تو باری برهان جهل و تقلید خویش روشن گردانیدی و به کلمه‌ای نامفهوم نمایش بی‌وجه و مداخلت نه در هنگام گزفتی» (همان: ۱۴۷-۱۴۸) و ضمن نقل حکایتی اضافه می‌کند: «کار به جهالت و عمل به شبّهت عاقبت وخیم دارد» (همان: ۱۴۷). از طریق این گفت‌وگوهای استدلالی «کودکان این توانایی را می‌یابند که استدلال‌های سطحی را کنار گذاشته، با تفکر و اندیشه عمیق زیرساخت‌ها و مبانی نظری صحیح را برای بررسی و تحلیل آنچه با آن مواجه می‌شوند به کار گیرند» (رمضانی، ۱۳۸۹: ۳۰).

۳-۲. قابلیت کندوکاو^۲

بیشه‌ای که حوادث در آن رخ می‌دهد، نمونه‌ای از یک جامعه کوچک است و به‌خوبی این نکته را به کودکان آموزش می‌دهد که اگر در جامعه‌ای شواهد و استدلال‌ها در ارزیابی گفته‌های اعضای جامعه اهمیت داشته باشد، زمینه برای منطقی رفتار کردن و گسترش منطق انتقادی نیز در آن جامعه وجود خواهد داشت (وینچ، ۱۳۸۶: ۶۹). علاوه بر مواردی که به تفکر و لزوم اندیشیدن اشاره می‌شود، کل داستان نمایانگر یک کندوکاو مشترک است که برای پی بردن به حقیقت انجام می‌گیرد. «در هر داستان حقیقتی پنهان است؛ داستان‌ها بازتاب‌دهنده رفتار و حالات انسانی‌اند؛ این امر به برانگیختن تخیل انتقادی در خوانندگان می‌انجامد و به آن‌ها کمک می‌کند تا بتوانند برای زندگی‌شان تصمیم بگیرند» (Natividad, 2012: 213).

چنان‌که شارپ اشاره می‌کند، داستان‌های فلسفی باید دارای شخصیت‌هایی باشد که فرایند جست‌وجوی فلسفی را شبیه‌سازی کنند (برای آگاهی بیشتر ر.ک: شارپ، ۱۳۸۷: ۶۲-۶۷). همه شخصیت‌های حکایت که همان حیوانات بیشه‌اند، برای روشن شدن ماجرا و یافتن علت اصلی کشته شدن گاو به دست شیر، در این کندوکاو شرکت می‌کنند و هریک دلایلی را بیان می‌کند که در نهایت به آشکار شدن خیانت دمنه می‌انجامد. کلیت داستان، الگوی بسیار خوبی برای کودکان است که بیاموزند چگونه باهم فکر کنند، نظرات یکدیگر را بشنوند، درباره استدلال‌ها بیندیشند و صحت آن را بررسی کنند و در آخر به نتیجه‌ی درستی برسند. این الگوی هم‌فکری در داستان، باعث پرورش تفکر جمعی، مراقبتی و انتقادی در کودکان می‌شود (ر.ک: کم، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۵). همچنین الگوی بسیار خوبی برای آموزش دموکراسی به کودکان است. چنان‌که می‌دانیم «فلسفه برای کودکان به‌عنوان تفکر رده بالا، نوعی ابتکار در زندگی دموکراتیک و آزاد است. لیمن همگام با دیویی، دموکراسی را شکلی از حکومت نمی‌بیند، بلکه آن را شکلی از تسلط بر نفس و یک روش زندگی باهم می‌داند» (وانسی لگم، ۱۳۸۸: ۲۸۱).

در بحث کندوکاوپذیری داستان‌های کهن، نکته قابل توجهی وجود دارد؛ از آنجاکه اساساً کارکرد ادبیات کلاسیک، تعلیمی و اخلاق‌مدارانه است (و نه اکتشافی)، در جای‌جای این آثار، رویکرد ارزشی نویسنده حاکم است و توصیه‌های اخلاقی و سخنان اندرزگونه، فراوان به

چشم می خورد؛ زیرا نویسندگان این آثار «معمولاً می خواهند تکلیف مفاهیم اخلاقی را روشن کنند و حتی ممکن است ارزش های اخلاقی در پایان حکایت نتیجه گرفته شود. به هر حال ساختار و هدف این گونه داستان ها تعلیمی است» (کم، ۱۳۹۶: ۶۶). این مسئله باعث می شود کندوکاو پذیری داستان ها کاهش یابد و کودکان فرصت چندانی برای بحث و اکتشاف نداشته باشند. حکایات کلیله و دمنه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و چه بسا پیشرو نیز هست. بنابراین با حذف مواردی که حاکی از مواضع اخلاقی نویسنده است، می توان فضای کندوکاو را برای کودک ایجاد کرد؛ در نتیجه لازم است تمام گفت و گو هایی که میان رای و برهمن به شکل پند و اندرز و یا نتیجه گیری اخلاقی صورت گرفته، از ابتدا و انتهای حکایت حذف شود.

۳-۴. پرسش های پیشنهادی

در انتهای داستان های فبکی، پرسش ها و طرح بحث هایی برای آغاز گفت و گو میان کودکان مطرح می شود. این پرسش ها که معمولاً از موارد آسان به دشوار و روشن به مبهم است، در راستای مضامین طرح شده در داستان و جهت دادن به بحث کلاسی است. بدیهی است با توجه به سطح کلاس و انتظار مربی، پرسش های بسیاری می توان طرح کرد. آنچه در ادامه آمده، نمونه هایی از طرح بحث های کاربردی برای داستان «بازجست کار دمنه» است.

۱. چرا شیر پس از کشتن گاو دلتنگ و پشیمان شد؟
۲. اگر جای شخصیت ... (نام هریک از شخصیت ها) بودید چه می کردید؟
۳. اگر جای شیر بودید، چگونه از راستی حرف های دمنه مطمئن می شدید؟
۴. اگر در دادگاه بودید، سخنی علیه دمنه می گفتید؟ چرا؟
۵. به نظر شما مادر شیر چگونه شخصیتی داشت؟
۶. حسادت یعنی چه؟
۷. آیا تابه حال به کسی حسادت کرده اید؟
۸. آیا دمنه حق داشت از دوستی شیر و گاو ناراحت شود؟ چرا؟
۹. دوبه هم زنی یعنی چه؟
۱۰. به نظر شما کسی که رابطه دو دوست را به هم می زند، چگونه شخصیتی دارد؟
۱۱. آیا تابه حال با دوستانتان قهر کرده اید؟ چرا؟

۱۲. آیا ممکن است افراد باهم دعوا کنند و هنوز دوست باشند؟ آیا امکان دارد افراد هرگز دعوا نکنند؟

۱۳. تابه حال با کسی دعوا کرده‌اید؟ چه حسی داشته‌اید؟

۱۴. آیا مجازات دمنه را عادلانه می‌دانید؟

۱۵. اگر به جای شیر بودید، با دمنه چه می‌کردید؟

۱۶. به نظر شما دادگاه چگونه جایی است؟

۱۷. به نظر شما یک قاضی باید چگونه آدمی باشد؟

۱۸. آیا دوست دارید قاضی شوید؟ چرا؟

۱۹. آیا می‌توانید پایان دیگری برای داستان بنویسید؟

۴. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی حکایت «بازجست کار دمنه» در سه سطح ادبی، فلسفی و روان‌شناختی نشان از آن دارد که این داستان از قابلیت و ظرفیت‌های لازم برای آموزش تفکر به کودکان برخوردار است. این حکایت در سطح ادبی با برخورداری از شخصیت‌پردازی قوی، توصیفات و کنش، گره‌افکنی و گره‌گشایی، ایجاد تعلیق، پی‌رنگ قوی و ساختار روایی مستحکم و سایر عناصر داستانی، دارای غنای ادبی است؛ همچنین شیوه شخصیت‌پردازی از طریق حیوانات و کنش‌مداری و گفت‌وگومحوری در این حکایت، بر جذابیت آن برای کودکان و نوجوانان افزوده است. در سطح فلسفی، وجود فرصت‌های کندوکاو در داستان، ماهیت مسئله‌برانگیز متن و از همه مهم‌تر، درج الگوی گفت‌وگویی (به‌ویژه گفت‌وگوی استدلالی) و نمونه‌های عالی استدلال صحیح و مغالطه، در خلال دادگاه دمنه، سبب غنای فلسفی و عقلانی داستان شده است. این موارد به پرورش انواع تفکر انتقادی، جمعی و مراقبتی در کودکان می‌انجامد. از منظر روان‌شناختی نیز این داستان با در بر داشتن مضامینی همچون دوستی و دشمنی، دویه‌هم‌زنی و سخن‌چینی و درنهایت مکافات عمل، برای کودکان قابل درک و مطابق با تجربه زیسته آن‌هاست؛ بنابراین دارای مقبولیت روان‌شناختی ارزیابی می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. از آنجاکه در مقاله‌ای مرتبط در شمارگان پیشین همین مجله، معیارها و ویژگی‌های داستانی فبک به تفصیل بیان شده، از بیان مجدد آن خودداری گردیده است.

2. inquiry

منابع

۱. احمدی، اکبر، جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره، و شعبانی ورکی، بختیار. (۱۳۹۱). فلسفه برای کودکان (p4c) مضامین فلسفی در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی. **تفکر و کودک**، ۳ (۲)، ۱-۲۶.
۲. اسپلیتر، لورنس، و شارپ، آن مارگارت. (۱۳۹۶). چگونه بهتر اندیشه‌شیدن را بیاموزیم. ترجمه ناهید حجازی. تهران: پژوهاک فرزانه.
۳. اسمیت، فیلیپ. (۱۳۸۲). ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی. ترجمه محمودرضا بهرنگی. تهران: کمال تربیت.
۴. امیدنیا، مریم، مکتبی‌فرد، لیلا، و مؤمنی، عصمت. (۱۳۹۲). بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در رمان‌های برگزیده نوجوان دهه ۸۰ براساس فهرست پیترو فاسیونه. **تفکر و کودک**، ۴ (۱)، ۱-۲۶.
۵. پل، ریچارد، و الدر، لیندا. (۱۳۹۹). **تفکر انتقادی**. ترجمه اکبر سلطانی و مریم آقازاده. تهران: اختران.
۶. رمضانی، معصومه. (۱۳۸۹). بررسی برنامه درسی فلسفه برای کودکان در راستای توجه به ابعاد مختلف ذهنیت فلسفی. **تفکر و کودک**، ۱ (۱)، ۲۱-۳۵.
۷. زرین‌کوب، حمید. (۱۳۵۵). نگاهی به کتاب کلیله و دمنه. **مجله دانش‌آموز ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد**، ۱۲ (۳)، ۴۱۴-۴۲۶.
۸. ساتکلیف، راجر. (۱۳۸۷). شباهت‌ها و تفاوت‌های P4C و PWC. در: **کندوکا و فلسفی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶۹-۷۹.

۹. شارپ، آن مارگارت. (۱۳۸۳). گفت‌وگو با سعید ناجی. کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۸۹، ۱۲-۱۹.
۱۰. شارپ، آن مارگارت. (۱۳۸۷). داستان‌های فلسفی و کتاب‌های P4C. در: کندوکاو فلسفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۴۹-۶۹.
۱۱. فتحی، سمیه. (۱۳۹۲). بررسی میزان قابلیت حکایت‌های دفتر اول مثنوی معنوی برای کاربرد در فلسفه برای کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران.
۱۲. فرزانهفر، جواد، قاضی، یحیی، نقیب‌زاده، میرعبدالحسین، و محمودنیا، علیرضا. (۱۳۸۹). در جست‌وجوی استقلال انتخاب متن‌های ادبی مناسب برای برنامه فلسفه برای کودکان. مطالعات ادبیات کودک، ۱ (۲)، ۱۲۵-۱۵۶.
۱۳. فهری، نرگس. (۱۳۹۲). بررسی قابلیت حکایت‌های دفتر دوم مثنوی معنوی جهت کاربرد در فلسفه برای کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران.
۱۴. فیشر، رابرت. (۱۳۸۵). آموزش تفکر به کودکان. ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان. اهواز: رسش
۱۵. فیشر، رابرت. (۱۳۸۸). آموزش تفکر. ترجمه غلامعلی سرمد. تهران: گاج
۱۶. کم، فیلیپ. (۱۳۸۹). با هم فکر کردن. ترجمه مژگان رشتچی و فرزانه شهرتاش. تهران: شهرتاش.
۱۷. کم، فیلیپ. (۱۳۹۶). داستان‌های فبک: تفاوت رویکردها و شباهت کاربردها. در: کندوکاو فلسفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵۹-۸۱.
۱۸. لطفی، نسرين. (۱۳۹۲). بازنویسی و گزینش حکایات مثنوی معنوی برای برنامه درسی فبک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
۱۹. لیپمن، متیو. (۱۳۸۳). فلسفه و کودکان. کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۸۲، ۸-۱۲.

۲۰. لیپمن، متیو. (۱۳۸۹). **کودکی در مدرسه لیزا**. ترجمه حمیده بحرینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۱. لیپمن، متیو، و ناجی، سعید. (۱۳۸۸). فلسفه برای کودکان و نوجوانان رویکرد جدیدی در فلسفه تعلیم و تربیت. **فصلنامه فرهنگ**، ۲۲ (۱، پیاپی ۶۹)، ۱۷۵-۱۵۱.
۲۲. مجیدحبیبی عراقی، لیلا، دبیران، حکیمه، سلطانی منظر، سعید، ناجی، سعید. (۱۳۹۲). خوانش فلسفی متون داستانی کلاسیک فارسی متناسب با اهداف برنامه فلسفه برای کودکان. **تفکر و کودک**، ۴ (۲)، ۷۵-۱۰۰.
۲۳. مرادی، ماریه، و پروین، بهناز. (۱۳۹۲). **زنگ فلسفه**. تهران: نشر علم.
۲۴. منشی، ابوالمعالی نصرالله. (۱۳۸۶). **کلیله و دمنه**. چ ۳۱. تصحیح مجتبی مینوی. تهران: امیرکبیر.
۲۵. ناشودی، شیوا، ضیاءدادیان، محبوبه، و عباسی، فرزاد. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تفکر فلسفی در باب شیر و گاو از کلیله و دمنه. **سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی**، شماره ۹۵، ۲۹۴-۳۱۰.
۲۶. وانسی لگم، نانسی. (۱۳۸۸). **فلسفه برای کودکان**، رایحه تفکر. ترجمه مهرنوش هدایتی، **فصلنامه فرهنگ**، ۲۲ (۱، پیاپی ۶۹)، ۲۷۷-۳۰۱.
۲۷. وینچ، کریستوفر. ۱۳۸۶. **استقلال، آموزش و تفکر انتقادی**. ترجمه افشار امیری. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۲۸. یوسفی، عاطفه، و ناجی، سعید. (۱۴۰۱). بازخوانی بابی از کلیله و دمنه، تحلیل باب شیر و شغال براساس مبانی داستانی فلسفه برای کودکان. **پژوهشنامه ادبیات تعلیمی**، ۱۴ (۵۵)، ۱۳۵-۱۶۰.
29. Natividad, M. (2012). Teaching philosophy for critical thinking: some pedagogical motivations for future considerations. **Thinking education through philosophy**, the Korean Academy of Teaching Philosophy in Schools, pp. 203-216.
30. Splitter, laurance J., & Sharp, Ann M. (1995). **Teaching for better thinking**. Australian Council for Educational Research LTD.